

Original Article

The Correlation between Obsessive-Compulsive Disorder and Couple's Attachment Styles: The Mediating Role of Conflict Resolution Styles

Toktam Amanali Khani¹, MSc Student; Leila Khabir^{2*}, PhD

¹MSc Student of Clinical Psychology, Department of Psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad university, Shiraz, Iran

²Assistant Professor, Department of Psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Article Information

Article History:

Received: Dec. 17, 2022

Accepted: May 13, 2023

*Corresponding Author:

Leila Khabir,

Assistant Professor, Department of psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad university, Shiraz, Iran

Email: leilakhabir@gmail.com

Abstract

Introduction: Obsessive-compulsive disorder is a common and chronic disorder with many negative consequences. The most important consequence is the loneliness and isolation of the person; it affects the person's attachment and conflict resolution methods. The present study investigated the mediating role of conflict resolution styles in the relationship between obsessive-compulsive disorder and couples' attachment styles.

Methods: This research had a correlational descriptive design. The statistical population consisted of all young couples in Kerman city in 2022, who had been married for a maximum of ten years. The target sample consisted of 240 people who were selected using purposive sampling. The Collins and Read Revised Adult Attachment Scale, Maudsley Obsessive Compulsive Inventory, and Rahim's Conflict Resolution Styles Questionnaire were used to collect the data. Descriptive statistics and structural equation modeling methods were used to analyze the data in SPSS version 21 and Lisrel software version 8/80.

Results: The results of the analysis showed that obsessive-compulsive disorder indirectly and negatively ($P \leq 0.05$) affected attachment styles.

Conclusion: Attachment styles could predict obsessive-compulsive disorder through conflict resolution styles.

Keywords: Obsessive-Compulsive Disorder, Coping Skills, Family Relations, Attachment Styles

Please cite this article as:

Amanali Khani T, Khabir L. The Correlation between Obsessive-Compulsive Disorder and Couple's Attachment Styles: The Mediating Role of Conflict Resolution Styles. Sadra Med. Sci. J. 2024; 12(1): 41-52.



مقاله پژوهشی

بررسی رابطه‌ی وسواس فکری عملی با سبک‌های دلبستگی زوج‌ها: نقش میانجی سبک‌های حل تعارض

تکتم امانعلی خانی^۱، لیلا خبیر^{۲*}

^۱کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران
^۲استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۹

نویسنده مسئول:

لیلا خبیر

استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

شیراز، ایران

پست الکترونیکی: leilakhabir@gmail.com

مقدمه: اختلال وسواس فکری عملی اختلالی شایع و مزمن است که پیامدهای منفی زیادی به دنبال دارد؛ مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پیامد آن، تنهایی و انزوای شخص است که بر نحوه‌ی دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض فرد تأثیرگذار است. پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی بین وسواس فکری عملی با سبک‌های دلبستگی زوج‌ها انجام شده است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر باتوجه به هدف کاربردی و از نظر نحوه‌ی گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی زوج‌های شهر کرمان در سال ۱۴۰۱ که حداکثر ده سال از مدت ازدواج آن‌ها گذشته باشد، تشکیل داده‌اند. نمونه‌ی مدنظر مشتمل بر ۲۴۰ نفر است که به شیوه‌ی دردسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های این پژوهش از پرسش‌نامه‌ی سبک‌های دلبستگی کولینز و رید، پرسش‌نامه‌ی وسواس فکری عملی مادزلی و پرسش‌نامه‌ی سبک‌های حل تعارض زوج‌ها رحیم، استفاده شد. برای تجربه‌وتحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و Lisrel نسخه ۸/۸۰ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل نشان داد که وسواس فکری عملی به‌طور غیرمستقیم ($P \leq 0/05$) بر سبک‌های دلبستگی به‌صورت منفی تأثیرگذار است. سبک‌های دلبستگی از طریق سبک‌های حل تعارض، قادر به پیش‌بینی وسواس فکری عملی بود.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، سبک‌های دلبستگی از طریق سبک‌های حل تعارض قادر به پیش‌بینی وسواس فکری عملی بود.

کلمات کلیدی: وسواس فکری عملی، مهارت‌های مقابله، روابط خانوادگی، سبک‌های دلبستگی

لطفاً این مقاله را به این صورت استناد کنید:

امانعلی خانی ت، خبیر ل. بررسی رابطه‌ی وسواس فکری عملی با سبک‌های دلبستگی زوج‌ها: نقش میانجی سبک‌های حل تعارض. مجله علوم پزشکی صدرا. دوره ۱۲، شماره ۱، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۴۱-۵۲.

تبیین سازگاری با بیماری‌ها است؛ مطرح گردیده است (۸). دلبستگی، پیوند عاطفی و هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر یا افرادی که کودک در تعامل مداوم با آن‌هاست، ایجاد می‌شود (۹).

نظریه‌پرداز اصلی دلبستگی، جان بالبی^۳ معتقد بود میزان دسترس‌پذیری و پاسخ‌دهی مستمر به تلاش‌های افراد برای رسیدن به آرامش و امنیت؛ کیفیت و سبک دلبستگی افراد را تعیین می‌کند. سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا^۴ مشخص شده است. سبک‌های دلبستگی، انتظارات کودک را درباره‌ی اینکه آیا مادر (مراقب) از نظر عاطفی پاسخگو هست یا نه، شکل می‌دهند و تعیین می‌کنند که آیا خود، ارزش عشق و محبت دارد یا نه. سبک‌های دلبستگی نه‌تنها در کودکی بلکه در بزرگسالی به‌ویژه پس از ازدواج و در زندگی زناشویی هم نقش اساسی در برقراری ارتباط زوج‌ها به‌ویژه زوج‌های جوان دارند. سبک‌های دلبستگی یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی عمده‌ی شیوه‌ی واکنش و سازگاری افراد به استرس‌های عمده، به‌ویژه وسواس فکری عملی است. فردی با الگوی دلبستگی ایمن، مراقب خود را در دسترس می‌داند و خودش را به‌صورت مثبت تجربه می‌کند، در الگوی دلبستگی دوسوگرا، مراقب به‌طور پیوسته فرد را از خود می‌راند و خود نیز ناایمن است، اما به‌طور اجباری به خودش اعتماد می‌کند و در نهایت در الگوی دلبستگی اضطرابی، فرد، مراقب خود را به‌عنوان یک پاسخگوی بی‌ثبات و خود را به‌عنوان فردی وابسته و بی‌ارزش تجربه می‌کند. سبک دلبستگی از جمله ویژگی‌هایی است که بر روابط زوج‌ها و ایجاد وسواس فکری عملی در زوج‌ها تأثیر داشته و متقابلاً از روابط زوج‌ها تأثیر می‌پذیرد (۹) همچنین می‌تواند به‌عنوان یک محافظ برای جلوگیری از وسواس فکری عملی ایفای نقش نماید (۱۰).

پژوهشگران به‌منظور تدوین مدل ساختاری اختلال وسواس فکری عملی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۵، سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی به تعیین تأثیر غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی بر اختلال وسواس فکری عملی و با میانجی‌گری مکانیزم‌های دفاعی پرداخته‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری، نشان داده است که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه،

خانواده، یک نظام اجتماعی طبیعی است که در همه‌ی مراحل تکوین آن، زوجین خرده‌نظام اصلی بوده و عوامل متعددی در رضایت یا رضایت‌نداشتن آن‌ها از زندگی نقش دارند (۱). رضایت زوج‌ها را می‌توان به‌عنوان موقعیتی روان‌شناختی در نظر گرفت که خودبه‌خود به وجود نمی‌آید؛ بلکه مستلزم تلاش هر دو زوج، به‌ویژه در سال‌های اولیه‌ی زندگی است که روابط آن‌ها بسیار بی‌ثبات و در معرض بیش‌ترین خطر قرار دارد (۲)؛ از جمله عواملی که در این سال‌های ابتدایی زندگی باعث ایجاد اختلال بین زوج‌ها می‌شود؛ اختلال وسواس فکری عملی (OCD) است (۳).

در بین اختلالات روان‌پزشکی، اختلال وسواس فکری عملی اختلالی شایع و مزمن است که به‌منظور خنثی‌کردن برخی از افکار در ابتدا شروع می‌شود، افکاری که وارد ذهن فرد می‌شوند (تداخلی) که تکراری (وسواسی) هستند و فرد نمی‌تواند آن‌ها را کنترل کند. به‌مرور زمان این رفتارها یا اعمال ذهنی شدیدتر شده و بیش‌از حد مدنظر انجام می‌شوند که اجبار نامیده می‌شود و در آن حالت فرد نمی‌تواند از انجام آن‌ها جلوگیری کند (۴). براساس داده‌های سال ۲۰۱۷ سازمان بهداشت جهانی (WHO)^۲، اختلال وسواس فکری عملی حدود دو تا سه درصد از جمعیت جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۵). شیوع این بیماری در ایران نیز به‌طور تقریبی ۱/۸ درصد (۰/۷ درصد در بین مردان و ۲/۸ درصد در بین زنان) مطرح گردیده است (۶). در میان درمان‌های انجام‌شده، رایج‌ترین درمان‌های شناختی رفتاری، روان‌درمانی و دارودرمانی است. باین‌حال، چهل درصد از بیماران به چنین درمان‌هایی پاسخ نمی‌دهند (۵).

هنوز دانش جامعی درباره‌ی علت بروز بیماری وسواس فکری عملی به دست نیامده است. به‌طور گذشته‌نگر، می‌توان شروع اختلال وسواس فکری اجباری را با پیوند دادن به رویدادهای استرس‌زای زندگی تجربه‌ی بیماران، مانند ازدواج، فرزندآوری یا بارداری، ضررهای درخور توجه، ارتقاء به شغل/ موقعیت جدید و بیماری‌های جسمی شدید توصیف می‌کنند (۴).

یکی از این دسته عوامل که همبندی بالایی در ایجاد وسواس فکری عملی دارد و پژوهشگران زیادی نیز بر رابطه‌ی این دو عامل صحنه‌گذارده‌اند، سبک‌های دلبستگی است (۷). در همین راستا، نظریه‌ی دلبستگی که یکی از چارچوب‌های نظری مناسب برای

1. Obsessive-Compulsive Disorder
2. World Health Organization

3. John Bowlby

4. Secure, avoidant and ambivalent attachment style

5. Early maladaptive schemas

که این اختلالات عوامل سبب‌شناختی مشترک داشته باشند. یکی از این عوامل سبک‌های دلبستگی است (۱). همچنین سبک دلبستگی دوران کودکی پیش‌بینی‌کننده‌ی وسواس فکری‌عملی آن‌ها بوده است و طی یک دوره‌ی درمان دو تا چهارساله؛ ۱۱ تا ۲۶ درصد آن‌ها بهبود یافته‌اند (۶).

زوج‌های جوانی که سبک دلبستگی متناسبی ندارند، سبک‌های حل تعارض ناکارآمدتر و رضایت کمتری از رابطه را گزارش می‌کنند (۱۷). تعارض و اختلاف، قلب روابط عاشقانه است. وجود لطیفه‌ای چون «علت عمده‌ی طلاق‌ها، ازدواج است»؛ ناظر بر پیوند تعارض و صمیمیت است. بنابراین تعارض در روابط صمیمی، طبیعی است و ازدواج از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوج‌ها، زمینه‌های بی‌شمار تعارض را فراهم می‌کند و تعارضات زناشویی پیوستاری از وجود اختلاف در تعاملات بین‌فردی هستند که شامل رفتارهایی است که به ارتباطات خصومت‌آمیز، تنش‌زا، مخالفت‌آمیز و تضاد منجر می‌شود (۱۸).

تعیین ماهیت طبیعی بودن تعارضات بین همسران دشوار است؛ برخی از زوجها ساختاری از تعاملات را شکل می‌دهند که غالباً طبق آن به بحث می‌پردازند. برخی دیگر کمتر اختلافات را تجربه می‌کنند و به‌طور معمول تنها درباره‌ی مسائل بااهمیت به اختلاف می‌رسند. بااین‌حال، الگوهای رشد و نمو ثابت است؛ برای مثال، زوج‌هایی که از مدت ازدواج آن‌ها زمان زیادی گذشته است، اختلافات کمتری در مقایسه با زوج‌های جوان دارند. تعارضات زناشویی به‌مثابه حاصلی از احساسات و تعاملات رفتاری منفی در همسران، بسته به موضوع تعارضات، شدت و استمرار تعارضات در صورت پایداری، می‌تواند دربردارنده‌ی پیامد جدی فیزیولوژیکی و روان‌شناختی و مشکلاتی در نحوه‌ی دلبستگی بین زوج‌ها باشد (۱۹).

وجود بعضی عوامل مانند وسواس فکری‌عملی می‌تواند در روابط بین زوجها تعارض ایجاد کند. از سوی دیگر، پژوهش‌ها نقش سبک دلبستگی ناایمن در درک الگوهای فزاینده‌ی راهبردهای حل تعارض مخرب را برجسته می‌کند (۲۰). یکی از مهم‌ترین عوامل فردی مؤثر در زندگی افراد که بر وسواس فکری‌عملی به‌ویژه در بین زوجها تأثیر می‌گذارد؛ سبک‌های دلبستگی است که به شیوه‌های گوناگون زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چارچوبی برای فهم دقیق و بهتر روابط زناشویی و حل تعارضات فراهم

سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با اختلال وسواس فکری‌عملی، رابطه وجود دارد. همچنین، مدل اختلال وسواس فکری‌عملی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی برآزش مناسبی دارد (۱۱). نتایج یک پژوهش سیستماتیک نیز با بررسی شانزده مطالعه درباره‌ی بیماران بزرگسال مبتلا به OCD و همچنین افراد عمومی که علائم OCD را داشته‌اند، نشان‌دهنده‌ی آن بوده است که دلبستگی بر وسواس فکری‌عملی به‌میزان متوسط تأثیرگذار بوده است (۱۲). پژوهشگران دیگری با بررسی نظر ۳۸ نفر از افراد مبتلا به اضطراب، ۳۶ نفر مبتلا به وسواس فکری‌عملی و ۳۶ نفر مبتلا به افسردگی به‌عنوان نمونه، به این نتایج دست یافته‌اند که بین سه گروه بالینی از نظر سبک‌های دلبستگی و پیوند با والدین، تفاوت معناداری وجود دارد (۱۳).

در پژوهشی دیگر نیز این نتیجه به دست آمد که بیگانگی، سبک ایمن، سبک دوسوگرا و افسردگی، بر علائم وسواس اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد و جهت تأثیر بیگانگی مثبت و جهت تأثیر سبک ایمن منفی و جهت اثر سبک دوسوگرا مثبت و جهت رابطه‌ی افسردگی مثبت است. همچنین شاخص‌های برآزش به‌دست‌آمده در مجموع نشان از برآزش پذیرفتنی داده‌ها با مدل داشته است (۴). سایر یافته‌ها در رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی، مکانیزم‌های دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی نشان داده‌اند که سبک دلبستگی ایمن، همبستگی منفی معناداری با باورهای وسواسی دارد؛ همچنین بین سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی، نشخوار فکری و مکانیزم‌های دفاعی رشدنیافته و روان‌آزرده با باورهای وسواسی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و اینکه سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی، نشخوار فکری و مکانیزم‌های دفاعی رشدنیافته و روان‌آزرده توان پیش‌بینی باورهای وسواسی را دارند (۱۴).

پژوهشگران در بررسی وجوه سبک دلبستگی بزرگسالان در بیماران مبتلا به اختلال وسواس فکری‌عملی به این نتایج دست یافته‌اند که دو جنبه‌ی اضطراب دلبستگی، نیاز به تأیید (که سطوح بالاتری از علائم وسواسی را پیش‌بینی می‌کند)، و اشتغال به روابط (که علائم احتکار بالاتر را پیش‌بینی می‌کند) واریانس بالاتر از وسواس فکری‌عملی را تبیین می‌نماید (۱۵ و ۱۶). یافته‌ها حاکی از آن است که ارتباط قوی بین همه‌ی بیماری‌های همراه و وسواس فکری‌عملی به‌ویژه برای افسردگی وجود دارد؛ بنابراین این احتمال وجود دارد

فکری عملی (وارسی، تمیزی، کندی و شک وسواسی) و دوازده متغیر پنهان، بررسی شد. ۲۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس، از بین مراجعه‌کنندگان مطب دندان‌پزشکی دکترسعید رئیسی انتخاب و داده‌ها جمع‌آوری شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های در این پژوهش، از سه ابزار گردآوری داده‌ها به شرح زیر بهره گرفته شده است:

۱) پرسش‌نامه‌ی سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (RAAS)^۶: این پرسش‌نامه را در سال ۱۹۹۰ کولینز و رید به منظور بررسی سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان طراحی کرده و در سال ۱۹۹۶ نیز بازبینی کرده‌اند. هدف این پرسش‌نامه، خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه‌ی شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است که مشتمل بر هجده گویه و سه بعد دلبستگی اضطرابی (A) که با سبک دلبستگی دوسوگرا مطابقت دارد. سبک نزدیک بودن (C) که با سبک دلبستگی ایمن مطابقت دارد و سبک وابستگی (D) که تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی است و در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم طراحی شده است (۲۱). ضریب پایایی نسخه‌ی فارسی این مقیاس در دو نوبت با سی نمونه و با فاصله‌ی دو هفته به میزان ۰/۹۰ ارزیابی و تأیید شد. همچنین روایی این مقیاس را نیز این دو پژوهشگر با استفاده از روایی سازه (تحلیل عاملی تأییدی) بررسی و تأیید کردند (۲۲). پایایی به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر در سه سبک دلبستگی دوسوگرا، ایمن و اجتنابی ۰/۸۸، ۰/۷۶ و ۰/۸۹ بود.

۲) پرسش‌نامه‌ی وسواس فکری عملی مادزلی (MOCI)^۷: این پرسش‌نامه به منظور پژوهش درباره‌ی نوع و حیطة‌ی مشکلات وسواسی تهیه شده است و شامل سی ماده است که بعضی از آن‌ها با کلید درست و بعضی با کلید غلط است، دامنه‌ی نمره‌ی کل مادزلی بین صفر تا سی است و چهار مؤلفه‌ی وارسی، تمیزی، کندی و شک وسواسی دارد (۲۳). ضریب پایایی نسخه‌ی فارسی کل آزمون را ۰/۷۸ و روایی همگرایی این پرسش‌نامه را ۰/۸۷ برآورد کرده است. نمره‌ی بالاتر نشان‌دهنده‌ی میزان وسواس بالاتر است (۲۴). پایایی به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۹ بود.

می‌نماید. از جمله اینکه افراد با سبک دلبستگی نایمن، تمایل به نشخوار فکری بیشتری دارند. از سوی دیگر سبک‌های دلبستگی نایمن ممکن است با فعال کردن مکانیزم‌های حل تعارض ناکارآمد، پاسخ‌های غیرمؤثر را تشدید کرده و علائم وسواسی را افزایش دهد (۲۱). باتوجه به اینکه سبک‌های حل تعارض افراد نیز بر وسواس فکری عملی تأثیرگذار هستند و می‌توانند نقش میانجی را در رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و وسواس فکری عملی ایفا کنند؛ بنابراین این سؤال اساسی مطرح می‌گردد که آیا بین سبک‌های دلبستگی با وسواس فکری عملی با میانجی‌گری سبک‌های حل تعارض رابطه‌ی وجود دارد.

مواد و روش‌ها

طرح تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود.

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه‌ی زوج‌های جوان شهر کرمان که حداکثر ده سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد و آمار دقیقی از آن‌ها در دسترس نیست، تشکیل می‌دهند.

معیارهای ورود و خروج

الف. معیار ورود به مطالعه: زوج‌های جوانی که بیش از ده سال از ازدواج آن‌ها نگذشته بود، در صورت تمایل وارد مطالعه شده و پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند.
ب. پس از بررسی پرسش‌نامه‌ها در صورتی که افراد بیش از ده سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، از فرایند ارزیابی پژوهش خارج شدند.

حجم نمونه

باتوجه به اینکه روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است و در تحلیل عاملی تأییدی و مدل ساختاری، حداقل حجم نمونه براساس متغیرهای پنهان تعیین می‌شود نه متغیرهای مشاهده‌پذیر و بیست نمونه برای هر عامل (متغیر پنهان) لازم است، بنابراین در این پژوهش براساس تعداد مسیرها، سه سازه‌ی سبک‌های حل تعارض (سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم‌شده، سبک اجتناب‌کننده و سبک مصالحه)، سبک‌های دلبستگی (اضطرابی، نزدیک بودن و وابستگی) و وسواس

6. Collins and Read Revised Adult Attachment Scale
7. Maudsley Obsessive Compulsive Inventory

الکترونیکی شد و لینک مربوط برای شرکت کنندگان برای تکمیل و گردآوری داده‌ها ارسال گردید. در نهایت داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار لیزل و اجرای روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد و نتایج به دست آمده گزارش گردید.

تحلیل آماری

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش از آمار توصیفی (میانگین، میانه، نما، انحراف چارکی، کجی و کشیدگی) و آمار استنباطی (همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری) استفاده گردیده است.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی از کمیته‌ی اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز کد اخلاق به شناسه‌ی IR. IAU. SHIRAZ. REC. 1401.048 دریافت گردید. ملاحظات اخلاقی این پژوهش بدین شرح بود: در این پژوهش پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه‌ها بدون ذکر نام انجام گرفت و به شرکت کنندگان در پژوهش اطمینان داده شد که داده‌های به دست آمده از هرنفر به طور محرمانه خواهد بود؛ همچنین شرکت کنندگان توجیح شدند که شرکت در این پژوهش کاملاً اختیاری است.

۳ پرسش‌نامه‌ی سبک‌های حل تعارض زوجها

رحیم (ROCI-II)^۸: پرسش‌نامه‌ی سبک‌های حل تعارض رحیم برای اندازه‌گیری سبک‌های حل تعارض طراحی شد. این پرسش‌نامه ۲۸ گویه داشته و هدف آن ارزیابی سبک‌های حل تعارض افراد در رابطه با همسر است. این پرسش‌نامه دارای پنج بعد (سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم‌شده، سبک اجتناب‌کننده، سبک مصالحه) است و طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است (۲۵). حقیقی و همکاران (۲۶) پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ و برای کل مقیاس ۰/۷۸ محاسبه و ارزیابی کرده‌اند و روایی آن را با استفاده از روایی سازه‌ی تأیید کرده‌اند (۲۶). پایایی به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۹ بود.

روند اجرای پژوهش

برای اجرای پژوهش حاضر پس از انتخاب موضوع و جامعه‌ی آماری پژوهش، نمونه‌ی مدنظر با توجه به معیارهای ورود و خروج شرکت کنندگان انتخاب گردید؛ سپس ابزارهای گردآوری داده‌ها با توجه به مطالعه‌ی پیشینه، شناسایی شد. پرسش‌نامه‌های شناسایی شده تبدیل به پرسش‌نامه‌ی

8. Conflict Resolution Styles Questionnaire Rahim

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۳۷	۵۷/۱
	زن	۱۰۳	۴۲/۹
سن	زیر ۳۰ سال	۱۲۶	۵۲/۵
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۱۰۳	۴۲/۹
	بالای ۴۰ سال	۱۱	۴/۶
مقطع تحصیلی	دیپلم	۱۸	۷/۵
	فوق دیپلم	۹	۳/۸
	کارشناسی	۱۵۲	۶۳/۳
	کارشناسی ارشد	۳۷	۱۵/۴
	دکتری	۲۲	۹/۲
	دانشجو	۲	۰/۸
مدت زمان ازدواج	۱ تا ۵ سال	۱۱۴	۴۷/۵
	۶ تا ۱۰ سال	۱۲۶	۵۲/۵

یافته‌ها

انحراف در خرده‌مقیاس‌های وسواس فکری عملی از جمله وارسی ($1/58 \pm 0/20$)، تمیزی ($1/53 \pm 0/15$)، کندی ($1/73 \pm 0/22$) و شک وسواسی ($1/50 \pm 0/20$) است (جدول ۲).

به منظور تعیین برازش مدل مورد نظر و تحلیل مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار لیزرل بهره گرفته شد. برازش مدل با شاخص‌های مجذور کای نسبت به درجه‌ی آزادی (مجذور کای نسبی) (CMIN/df) برابر با $2/41$ ، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با $0/88$ ، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) برابر با $0/89$ ، شاخص ریشه‌ی خطای تقریب میانگین مجذورات (RMSEA) برابر با $0/07$ ، شاخص برازش تطبیق (CFI) برابر با $0/91$ و شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر با $0/91$ در سطح مطلوبی بود. تمامی محاسبات این پژوهش با مرز استنتاج آماری $P \leq 0/05$ انجام گرفت و همگی شاخص‌ها در سطح مطلوبی قرار داشت. نتایج نشان می‌دهد مدل از برازش خوبی با داده‌ها برخوردار است (جدول ۳ شکل‌ها ۱ و ۲).

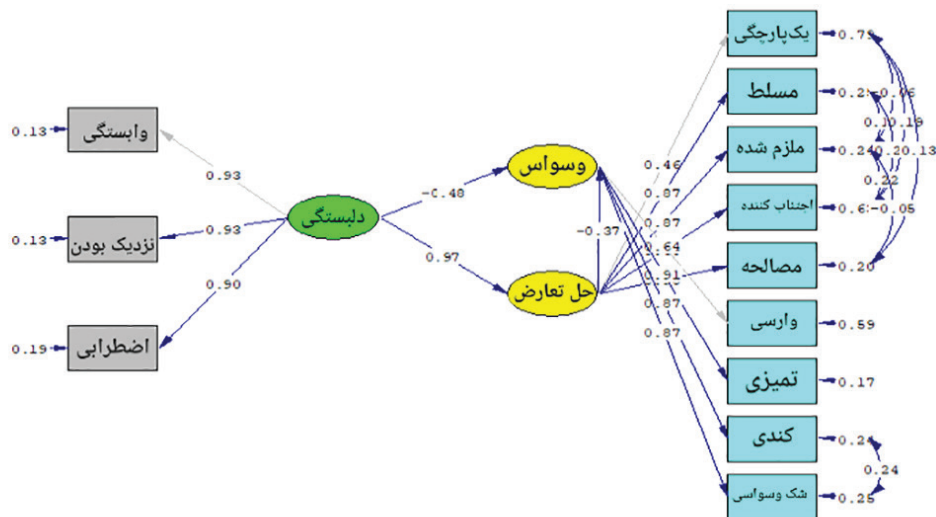
از ۲۴۰ نفر شرکت‌کننده در این پژوهش، ۱۳۷ نفر (۵۷/۱ درصد) زن و ۱۰۳ نفر (۴۲/۹ درصد) مرد بوده‌اند. میانگین و انحراف معیار سن $29/63 \pm 1/28$ بود (جدول ۱). در جدول دو، میانگین و انحراف استاندارد و دامنه‌ی نمرات مشاهده شده‌ی آزمودنی‌های پژوهش در متغیرهای پژوهش، ارائه شده است. میانگین و انحراف در خرده‌مقیاس‌های سبک‌های حل تعارض از جمله سبک یکپارچگی برابر با ($4/24 \pm 0/57$)، سبک مسلط برابر با ($2/96 \pm 0/77$)، سبک اجتناب‌کننده برابر با ($3/73 \pm 0/60$) و سبک مصالحه برابر با ($3/25 \pm 0/65$) است. میانگین و انحراف استاندارد در خرده‌مقیاس‌های سبک‌های دلبستگی از جمله سبک دلبستگی وابسته برابر با ($2/85 \pm 0/55$) و نزدیک بودن برابر با ($2/95 \pm 0/55$) و اضطرابی برابر با ($2/65 \pm 0/49$) است. میانگین و

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و دامنه‌ی تغییر، کجی و کشیدگی متغیرهای مورد مطالعه

عامل	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	دامنه‌ی تغییر نمرات		کجی	کشیدگی
				حداقل نمره	حداکثر نمره		
سبک‌های حل تعارض	سبک یکپارچگی	۴/۲۴	۰/۵۷	۲/۷۱	۵	-۰/۶۶	۰/۰۴
	سبک مسلط	۲/۹۶	۰/۶۶	۱/۱۷	۵	۰/۳۸	۰/۳۳
	سبک ملزم شده	۲/۹۷	۰/۷۷	۱/۲۰	۴/۶۰	-۰/۱۲	-۱/۰۵
	سبک اجتناب‌کننده	۳/۷۳	۰/۶۰	۱/۷۵	۵	-۰/۴۵	۰/۴۳
	سبک مصالحه	۳/۲۵	۰/۶۵	۱/۳۳	۴/۶۷	۰/۲۲	-۰/۵۱
سبک‌های دلبستگی	وابستگی	۲/۸۵	۰/۴۵	۱/۳۳	۴/۶۷	-۰/۰۱	۱/۰۴
	نزدیک بودن	۲/۹۵	۰/۵۵	۱/۳۳	۴/۶۷	۰/۲۴	۱/۳۵
	اضطرابی	۲/۶۵	۰/۴۹	۱/۳۳	۵	-۰/۲۴	۱/۹۶
وسواس فکری عملی	وارسی	۱/۵۸	۰/۲۰	۱/۱۱	۲	-۰/۵۳	-۰/۶۳
	تمیزی	۱/۵۳	۰/۱۵	۱/۱۸	۱/۹۱	۰/۱۷	-۰/۳۰
	کندی	۱/۷۳	۰/۲۲	۱/۱۴	۲	-۰/۵۶	-۰/۵۹
	شک وسواسی	۱/۵۰	۰/۲۰	۱	۲	-۰/۲۱	-۰/۵۹

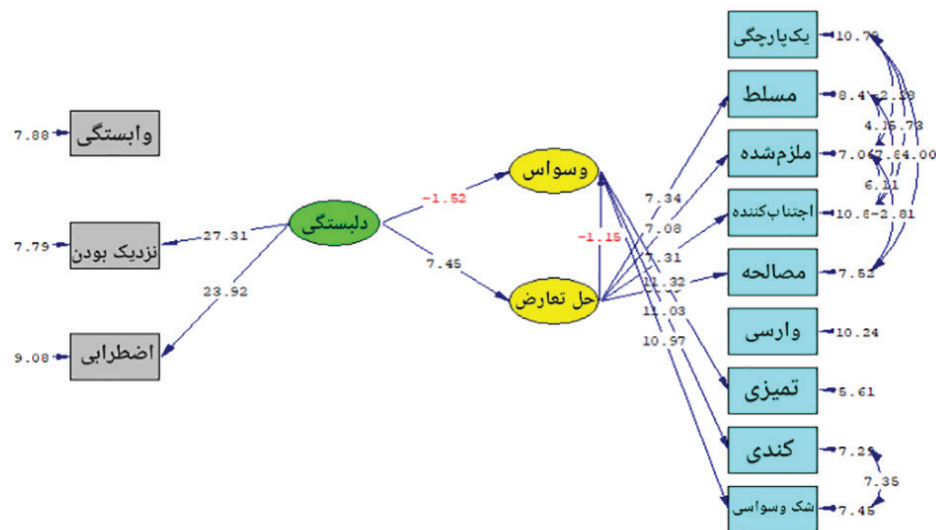
جدول ۳. برازش مدل نهایی پژوهش

شاخص‌ها	NFI	IFI	GFI	AGFI	CFI	CMIN/df	RMSEA
مدل	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۹۱	۲/۴۱	۰/۰۷۷
حد قابل قبول	$\geq 0/9$	$\geq 0/9$	$\geq 0/9$	$\geq 0/9$	$\geq 0/9$	≤ 3	$\leq 0/08$



Chi-Square=103.89, df=43, P-value=0.00000, RMSEA=0.077

شکل ۱. تحلیل مدل معادلات ساختاری بین متغیرها براساس ضرایب استاندارد شده



Chi-Square=103.89, df=43, P-value=0.00000, RMSEA=0.077

شکل ۲. تحلیل مدل معادلات ساختاری بین متغیرها براساس مقادیر تی

جدول ۴. اثرات مستقیم متغیرهای مکنون بر یکدیگر

وابسته/مستقل	ضریب استاندارد شده	خطای استاندارد	T	R ²
بر وسواس فکری عملی از سبک‌های دل‌بستگی	-۰/۴۸	۰/۰۵	-۱/۵۲	۰/۲۳
از سبک‌های حل تعارض	-۰/۳۷	۰/۰۵	-۱/۱۵	۰/۱۴
بر سبک‌های حل تعارض از وسواس فکری عملی	-۰/۳۷	۰/۰۵	-۱/۱۵	۰/۱۴
از سبک‌های دل‌بستگی	۰/۹۷	۰/۰۵	۷/۴۵	۰/۹۴

دل‌بستگی و سبک‌های حل تعارض بر وسواس فکری عملی به ترتیب به میزان $-۰/۴۸$ و $-۰/۳۷$ تأثیرگذار هستند که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنی‌دار و معکوس بین متغیرها است. همچنین وسواس فکری عملی و سبک‌ها

با استفاده از مدل برازش شده پژوهش اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کل هر یک از متغیرها بررسی شد. در ادامه هر یک از اثرات در جدول جداگانه قرار گرفت و نتایج بررسی فرضیه پژوهش آورده شده است (جدول ۴). همان‌طور که در جدول چهار می‌بینیم، سبک‌های

جدول ۵. اثرات غیرمستقیم متغیرهای مشاهده‌شده بر یکدیگر

متغیر پیش‌بین	متغیر میانجی	متغیر ملاک	اثر غیرمستقیم
سبک‌های دلبستگی	سبک‌های حل تعارض	وسواس فکری عملی	-۰/۵۳

آنان در ابعاد مختلف روان‌شناختی مانند وسواس فکری عملی، وابستگی‌های اجتماعی، شناخت اجتماعی، سبک‌های حل تعارض، میزان کنترل بر استرس‌ها و هیجانات، واکنش به جدایی‌ها، کارآمدی در روابط میان فردی و طرحواره‌ی افراد نسبت به خود و دیگران است و چنانچه افرادی نتوانند رابطه‌ی دلبستگی ایمن را با یک بزرگسال برقرار کنند، معمولاً در بزرگسالی، در برقراری رابطه‌ی سالم با هم‌تایان، اعضای خانواده، همسر و دیگران دچار مشکل شده، در معرض مشکلات بسیاری قرار می‌گیرند (۳۰)، همچنین با توجه به نتایج این پژوهش و تأیید دیدگاه دلبستگی که نشان‌دهنده‌ی تأثیر دلبستگی در بروز علائم OCD است؛ به نظر می‌رسد که ادغام رویکردهای درمانی شناختی مبتنی بر دلبستگی؛ ممکن است برای بیماران OCD که در آن‌ها عوامل رشدی یا عاطفی مانع از درمان موفقیت‌آمیز می‌شوند، تأثیرگذار باشد (۱۲).

از دیگر نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش آن است که سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض بر وسواس فکری عملی تأثیرگذار هستند و رابطه‌ی معنی‌دار و معکوس بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی و وسواس فکری عملی و متغیرهای سبک‌های حل تعارض و وسواس فکری عملی است. این نتیجه با نتایج بعضی پژوهش‌ها سازگار است (۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۵ و ۱۴).

بسیاری از افراد مبتلا به وسواس فکری عملی به معیارهای رفتاری و اخلاقی قدرتمند و محکمی پایبند هستند. به‌همین دلیل افکار ناخواسته و مزاحم برای آن‌ها بیش از دیگران پذیرفته نشده است. آن‌ها افکار بد را معادل اعمال بد تلقی کرده و خود را موظف به حذف آن می‌دانند. این امر بر نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با دیگران، نحوه‌ی دلبستگی و نحوه‌ی حل تعارضات در زمان درگیری با افراد به‌ویژه در ارتباط با همسر در بزرگسالی تأثیر منفی خواهد گذاشت (۲۷).

اختلال وسواس فکری عملی هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری را برای افراد مبتلا و جامعه ایجاد می‌کند و بر کارکردهای اجتماعی، تحصیلی و شغلی این افراد تأثیر می‌گذارد. از طرفی تجارب اولیه‌ی مناسب در زمینه‌ی دلبستگی می‌توانند از این اختلال در بزرگسالی جلوگیری کند؛ بنابراین الگوهای رفتاری بزرگسالی که تحت تأثیر دلبستگی دوران کودکی است، می‌تواند

دلبستگی بر سبک‌های حل تعارض به ترتیب به‌میزان ۰/۳۷- و ۰/۹۷ اثرگذار هستند، که نشان‌دهنده‌ی اثر معکوس و معنی‌دار وسواس فکری عملی بر سبک‌های حل تعارض و اثر مثبت و معنی‌دار سبک‌های دلبستگی بر سبک‌های حل تعارض است.

نتایج تحلیل و بررسی اثرات غیرمستقیم متغیرهای مشاهده‌شده بر یکدیگر طبق جدول شماره ۵، نشان‌دهنده‌ی آن بوده است که سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با وسواس فکری عملی به‌عنوان میانجی به‌میزان ۰/۳۵- اثرگذار است که نشان‌دهنده‌ی تأثیر معکوس و معنی‌دار این متغیر در رابطه‌ی بین دو متغیر پیش‌بین و متغیر ملاک پژوهش است.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی‌گری سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی وسواس فکری عملی با سبک‌های دلبستگی انجام شد. نتایج نشان داد که سبک‌های دلبستگی به‌واسطه‌ی سبک‌های حل تعارض قادر به پیش‌بینی وسواس فکری عملی بود. اختلال وسواس فکری عملی مرتبط با روابط یک‌شکلی از اختلال وسواسی اجباری است که بر روابط صمیمی به‌ویژه روابط بین زوج‌ها متمرکز است. چنین وسواس‌هایی می‌تواند بسیار ناراحت‌کننده و ناتوان‌کننده باشد و تأثیرات منفی بر عملکرد در روابط ایجاد می‌کند (۲۷، ۲۸).

در تبیین یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌توان بیان کرد که نظریه‌ی دلبستگی به ماهیت رابطه‌ی اشاره دارد که میان کودک و مراقب اولیه‌اش صورت می‌پذیرد و اهمیتی که این رابطه برای ایجاد شخصیت و دیدگاه فرد نسبت به دنیا دارد. براساس این نظریه، در خلال تکرار تجربیات وابسته به نمایه‌ی دلبستگی، کودک بازنمایی ذهنی یا به‌عبارتی «مدل‌های کارکردی درونی» نسبت به خود و دیگران را به‌وجود می‌آورد. هنگامی که یک‌بار این مدل‌ها شکل بگیرد، اگر سیستم دلبستگی فعال شود، این مدل‌ها نیز فعال خواهند شد و رفتار فرد را در زمینه‌های متعدد هدایت خواهند کرد (۲۹).

مطالعات نشان داده‌اند که الگوی دلبستگی افراد، پیش‌بین‌کننده‌ی مطمئنی برای تبیین تفاوت‌های

از نوع تمییزی است و درنهایت اینکه بین سبک‌های دلبستگی (وابستگی، نزدیک بودن، اضطرابی) و وسواس فکری عملی (وارسی، تمییزی، کندی و شک وسواسی) رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد و و بیش‌ترین ضریب همبستگی معکوس مربوط به سبک دلبستگی از نوع اضطرابی و وسواس فکری عملی از نوع شک و تردید است.

همچنین نتایج ارزیابی مدل معادلات ساختاری برای بررسی مدل مفهومی پژوهش و بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با وسواس فکری عملی: نقش میانجی سبک‌های حل تعارض مشخص گردید که سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با وسواس فکری عملی به‌عنوان میانجی به میزان ۰/۳۵- اثرگذار است که نشان‌دهنده‌ی تأثیر معکوس و معنی‌دار این متغیر در رابطه‌ی بین دو متغیر پیش‌بین و متغیر، ملاک پژوهش است.

باتوجه به این نتیجه، پژوهش که مدل معادلات ساختاری به‌منظور بررسی مدل مفهومی پژوهش و بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با وسواس فکری عملی: نقش میانجی سبک‌های حل تعارض نشان داده است که سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با وسواس فکری عملی به‌عنوان میانجی اثرگذار است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود ضمن توجه سه‌بعدی به سبک‌های دلبستگی، سبک‌های حل تعارض و وسواس فکری عملی و توجه به این نکته که دلبستگی اهمیت بسزایی در ایجاد وسواس فکری عملی دارد؛ با آموزش تکنیک‌های رشدیافته‌ی چگونگی مقابله با اضطراب در موقعیت استرس‌زا به‌ویژه در زمان ایجاد تعارضات زناشویی در سال‌های ابتدایی زندگی، همچنین لزوم تواناساختن افراد با سبک دلبستگی ناایمن از طریق بر نامه‌های آموزشی و مداخله‌ای به‌منظور مصون‌ساختن آن‌ها نسبت به آسیب‌های دلبستگی می‌توان از بروز نتایج منفی جلوگیری به‌عمل آورد.

تقدیر و تشکر

از تمامی عزیزانی که ما را در پیشبرد فرایند پژوهش حاضر در راستای دستیابی به هدف مدنظر یاری رسانده‌اند تشکر و قدردانی به‌عمل می‌آید.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

بهنجار و سالم باشد و هم می‌تواند نابهنجار و ناسالم باشد و رنگ اختلال به خود بگیرد؛ بنابراین سبک‌های دلبستگی که از منابع درون‌فردی هستند می‌توانند سطح تنش و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل کنند و اثرات منفی تنش‌ها به‌ویژه تنش‌های مربوط به وسواس فکری عملی و تعارضات را کم‌رنگ‌تر جلوه دهند (۴).

باتوجه به اینکه انجام پژوهش به‌روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مستلزم حجم نمونه‌ی حداقل دویست نفر است و دست‌یابی به این حجم نمونه بین زوج‌های جوانی که از زمان ازدواج آن‌ها ده سال بیشتر نگذشته باشد و حاضر به شرکت در پژوهش باشند بسیار دشوار بوده است؛ بنابراین جز محدودیت‌های پژوهش حاضر محسوب می‌گردد که با تبدیل پرسش‌نامه‌های پژوهش به پرسش‌نامه‌ی الکترونیکی و گردآوری داده‌ها به‌شکل مجازی، مشکل رفع شده است.

ادعان فزاینده‌ی وجود دارد که وسواس فکری عملی با اختلالات اجرایی مشخص می‌شود و این آسیب‌های اجرایی به‌ویژه در زمینه‌ی فعال‌سازی عاطفی مشهود است. اگرچه تعداد کمی از مطالعات مانع از ادعاهای قطعی در این زمینه می‌شود، شواهدی مبنی بر وجود اختلالات اجرایی در افراد مبتلا به وسواس فکری عملی وجود دارد که بر عملکرد عاطفی و وظایف شغلی افراد به‌ویژه در زمان تغییر موقعیت آن‌ها و مواجهه با اموری مانند ازدواج تأثیرگذار هستند؛ هرچند که در این زمینه به شواهد و مطالعات بیشتری نیاز است؛ اما نتایج پژوهش حاضر شواهدی بر تأثیر سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض بر وسواس فکری عملی بین زوج‌های جوان است.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان‌دهنده‌ی آن بود که رابطه‌ی بین سبک‌های حل تعارض (سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم‌شده، سبک اجتناب‌کننده، سبک مصالحه) و سبک‌های دلبستگی (وابستگی، نزدیک بودن، اضطرابی) مثبت و معنی‌دار است و بیش‌ترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه‌ی بین سبک حل تعارض از نوع مسلط و سبک دلبستگی از نوع وابستگی است. همچنین بین سبک‌های حل تعارض (سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم‌شده، سبک اجتناب‌کننده، سبک مصالحه) و وسواس فکری عملی (وارسی، تمییزی، کندی و شک وسواسی) رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد و بیش‌ترین ضریب همبستگی مربوط به سبک حل تعارض از نوع یکپارچی و وسواس فکری عملی

منابع

1. Bayrami M, Fahimi S, Akbari E, Amiri Pichakolaei A. Predicting marital satisfaction on the basis of attachment styles and differentiation components. *J Fundam Mental Health*. 2012;14(1):64-77.
2. Ahmadi Ardakani Z, Fatemi Oghada N. Examining the model of relationship between attachment styles and marital satisfaction: the mediating roles of forgiveness and empathy. *medical journal of mashhad university of medical sciences*. 2019;62:15-25.
3. Tibi L, van Oppen P, van Balkom A, Eikelenboom M, Hendriks GJ, Anholt GE. Childhood trauma and attachment style predict the four-year course of obsessive compulsive disorder: Findings from the Netherlands obsessive compulsive disorder study. *J Affect Disord*. 2020;264:206-14.
4. Rowe C, Deledalle A, Boudoukha AH. Psychiatric comorbidities of obsessive-compulsive disorder: A series of systematic reviews and meta-analyses. *J Clin Psychol*. 2022;78(4):469-84.
5. Soondrum T, Wang X, Gao F, Liu Q, Fan J, Zhu X. The Applicability of Acceptance and Commitment Therapy for Obsessive-Compulsive Disorder: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Brain Sci*. 2022;12(5).
6. Mohammadi M, rahgozar M, Bagheri A, Mesgarpur B, Dadras M, GHarib Khani H, Zeinali A. Epidemiology of psychiatric disorders in Tehran. *Journal of Tehran University Medical Science*. 2003;11(3):28-37.
7. Khalifat Z, Monirpour N. Explanation of obsessive-compulsive symptoms based on attachment styles and alienation by mediating role of depression. *Journal of Clinical Psychology*. 2020;12(1):49-62.
8. Tahai SA, Benisi P. The Effectiveness of effective communication training on attachment styles, social vitality and attitude towards love in couples. *J New Approaches Educ Res*. 2022;4(2):104-114. [In Persian].
9. Wells A. *Emotional disorders and metacognition: Innovative cognitive therapy*. 2th ed. New York: John Wiley and Sons; 2000.
10. Verin RE, Menzies RE, Menzies RG. OCD, death anxiety, and attachment: what's love got to do with it? *Behav Cogn Psychother*. 2022;50(2):131-41.
11. Theiss JD, McHugo M, Zhao M, Zald DH, Olatunji BO. Neural correlates of resolving conflict from emotional and nonemotional distracters in obsessive-compulsive disorder. *Psychiatry Res Neuroimaging*. 2019;284:29-36.
12. van Leeuwen WA, van Wingen GA, Luyten P, Denys D, van Marle HJF. Attachment in OCD: A meta-analysis. *J Anxiety Disord*. 2020;70:102187.
13. Shaker A, Homeyli N. Comparing parental bonding and attachment styles in patients with obsessive-compulsive disorder, generalized anxiety and depression. *Journal of Jahrom University of Medical Sciences*. 2011;9(3):20-26.
14. Falsafi SH, Asgari M, Kordestani D. Development of a structural model of obsessive-compulsive disorder based on early maladaptive schemas, attachment styles and defense mechanisms. *Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences*. 2022;65(2):579-92.
15. Pakoofteh a, Akhlaghi H. The relationship between attachment style, defense mechanisms and rumination with obsessive beliefs in women. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ)*. 2018;6(4):197-216. [In Persian].
16. Gonzalez-Ortega E, Orgaz B, Vicario-Molina I, Fuertes A. Adult Attachment, Conflict Resolution Style and Relationship Quality among Spanish Young-adult Couples. *Span J Psychol*. 2021;24:e5.
17. Pozza A, Dettore D, Marazziti D, Doron G, Barcaccia B, Pallini S. Facets of adult attachment style in patients with obsessive-compulsive disorder. *J Psychiatr Res*. 2021;144:14-25.
18. Dessoki HH, Sadek MN, Abd Elrassol HA, El-Sayed SG, Soltan MR. Gender-related romantic attachment and serum oxytocin level difference in adult patients with obsessive compulsive disorder. *Middle East Current Psychiatry*. 2021;28(1):1-11.
19. Frousakis NN. *Communication in married couples: Exploring the roles of betrayal and forgiveness*. University of Tennessee. 2010.
20. Kabiri M, Neshat-Doost HT, Mehrabi HA. The mediating role of relationship obsessive-compulsive disorder in relation to attachment

- styles and marital quality in women. *Journal of Research and Health*. 2017;7(5):1065-73.
21. Collins NL. Working models of attachment: implications for explanation, emotion and behavior. *J Pers Soc Psychol*. 1996;71(4):810-32.
 22. Asl MS, Khanzadeh M, Hasani J, Edrisi F. Factor structure and psychometric properties of the persian version of state adult attachment scale (SAAS). *J Res Psychol Health*. 2012;6(1):66-78.
 23. Hodgson RJ, Rachman S. Obsessional-compulsive complaints. *Behav Res Ther*. 1977;15(5):389-95.
 24. Dadfar M, Bolhari J, Malakuti K, Malakuti K, Bayanzade A. The study of the epidemiology of symptoms of Obsessive Compulsive Disorder. *Iran J Psychiatry Clin Psychol*. 2002;1(2):27-32.
 25. Weider-Hatfield D. Assessing the Rahim organizational conflict inventory-II (ROCI-II). *Management Communication Quarterly*. 1988;1(3):350-66.
 26. Haghghi H, Zarei E, Ghaderi F. Factor structure and psychometric characteristics conflict resolution styles questionnaire Rahim (ROCI-II) in Iranian couples. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2012;2(1):534-62.
 27. Fraley RC, Hudson NW. The development of attachment styles. *Personality development across the lifespan: Elsevier*; 2017. p. 275-92.
 28. Bayrak R, Guler M, Sahin NH. The Mediating Role of Self-Concept and Coping Strategies on the Relationship Between Attachment Styles and Perceived Stress. *Eur J Psychol*. 2018;14(4):897-913.
 29. Madanifar M, Esmaili M, Farahbakhsh K, Asgari M. Conceptual Expansion of Couple Conflict from the Perspective of Ethics Based on the Ethical works of Imam Khomeini. *The Women and Families Cultural-Educational*. 2022;17(58):11-41.
 30. Ayenew E. The Effect of Adult Attachment on Conflict Resolution Styles in Couples Relationship. *International Journal of Indian Psychology*. 2021;9(1).